

اسباب ورود حدیث در کافی

* جمال فرزند وحی
** محمد جعفر شهروزی

چکیده: معنی لغوی واژه‌های «سبب»، «ورود»، «مورد»، «صدور»، در حدیث‌شناسی از اهمّیت ویژه‌ای برخوردار است. در این مقاله، به تفصیل، به بررسی این واژه‌ها پرداخته شده است. مورد صدور حدیث در علم حدیث و درایت حدیث، بسیار اثرگذار است. احادیث معصومین علیهم‌السلام در شرایط زمانی و مکانی متفاوت و با انگیزه‌ها و هدفهای خاصی صادر شده که در تاریخ تدوین حدیث، به دلایل مختلف، بسیاری از موارد صدور حدیث، حذف یا به فراموشی سپرده شده است. همچنان‌که اسباب نزول قرآن در فهم و تفسیر قرآن مطلوب است، اسباب ورود و صدور حدیث نیز در فهم و تبیین حدیث مطلوب است. در فواید شناخت مورد صدور احادیث، به ایجاد بصیرت در فهم حدیث، تخصیص عام، تقیید مطلق، تبیین مجمل، بیان علت حکم، شناخت احادیث تقیه‌ای، رفع تعارض، تبیین نسخ، ترجیح بین

*. دکترای علوم قرآن و حدیث از دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، عضو هیئت علمی دانشگاه ایلام.
**. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

احادیث، آشنایی با کسانی که حدیث خطاب به آنها صادر شده، رفع ابهام از کلمات و عبارات نامفهوم، آشنایی با شیوه معصومین علیهم السلام در بیان مطالب و ایجاد تسهیل در حفظ احادیث اشاره شده است. میزان اعتبار مورد صدور احادیث به لحاظ: ناقل حدیث، مورد صدورهای خبری، مورد صدورهای انفصالی و تعارض بین موارد صدور حدیث بررسی شده است. کتاب کافی با توجه به مورد صدور احادیث، به دو دسته احادیث فاقد صدور خاص و احادیث دارای مورد صدور خاص تقسیم‌بندی و هر یک از این قسمت‌ها بررسی شده است. عوامل مؤثر در عدم نقل و نگارش مورد صدور احادیث، به دو دسته اصلی: عوامل مخصوص هر دوره و عوامل عمومی، تقسیم و به شرح آنها پرداخته شده است.

موضوعات مورد صدور احادیث شفاهی و مکتوب در کتاب کافی کلینی در انواع: سؤالات، مجادله‌ها، درخواستها، شکایتها و عرضه‌ها تقسیم‌بندی، بررسی و در هر مورد نیز شواهد حدیثی بیان شده است.

کلیدواژه: سبب/ ورود/ مورد/ مورد صدور/ مورد صدور - کافی / سبب ورود - کافی / تدوین حدیث/ حدیث - واژه‌ها

بخش اول: تعریف، اهمیت و فواید علم مورد صدور حدیث

۱. تعریف سبب ورود حدیث یا مورد صدور احادیث

واژه سبب یعنی: ریسمان (۵: سبب)، ریسمانی که با آن از درخت خرما بالا می‌روند (۹: سبب)، شناخت وسیله (همان)، رابطه (۳: سبب)، علت، جهت و باعث (۸: سبب). در شرع به هر آنچه به چیزی می‌رساند، ولی تأثیری در آن ندارد، سبب گویند؛ مانند وقت برای نماز. (۶: سبب)



در آیاتی چند از کلام الله مجید، واژه سبب به کار رفته است؛ از جمله:
... و آتیناه من کلّ شیءٍ سبباً فاتبع سبباً (کَهِف (۱۸)/ ۸۴ - ۸۵)
... و از هر چیزی، وسیله‌ای بدو بخشیدیم؛ پس راهی را دنبال کرد.
در این آیه، برای کلمه سبب، معانی «شناخت، وسیله» و «راه» (۱۶: سبب) ذکر شده است.

و قال فرعون يا هامان ابن لي صرحاً لعليّ أبلغ الأسباب أسباب السموات فأطلع إلى إله موسى... (مؤمن (۴۰)/ ۳۶ و ۳۷)

و فرعون گفت: ای هامان، برای من کاخی بساز، شاید من به آن راهها برسم؛ راههای دستیابی به آسمانها تا از خدای موسی اطلاع حاصل کنم....
در این آیه، اسباب یعنی: وسایل و اسبابی که در آسمانها وجود دارند که توسط آنها می‌توان آنچه را موسی ادعا می‌کرد، شناخت؛ یا مراد از آن، وسیله‌های رسیدن به آسمانها و راههای آسمان است.

۱-۲) معنی لغوی ورود

معنی اصلی ورود، به سوی آب رفتن است. (۹: ورد) سپس در موارد دیگری به کار رفته است؛ از جمله: حاضر شدن بر آب برای خوردن از آن (۵: ورد)، رسیدن، وارد شدن و پیوستن. (۷: ورد)

در آیاتی چند از کلام الله مجید، ماده ورود به کار رفته است؛ از جمله:
و لما ورد ماء مدین وجد علیه أمة من الناس يسقون... (قصص (۲۸)/ ۲۳)
و چون بر آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که دامهای خود را آب می‌دادند....

در این آیه، واژه وَرَدَ به معنای نزدیک شدن و رسیدن است. (۲۴: ورد)
إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ. (انبیاء (۲۱)/ ۹۸)
در حقیقت شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید، هیضم دوزخید. شما در آن وارد

خواهید شد.

در این آیه، ورود به معنای دخول است. (۲۴: ورد)

۳-۱) معنی لغوی مورد

برخی از معانی مورد عبارت‌اند از: آبشخور (۷: ورد)، سرچشمه رزق (۶: ورد)، محلّ وارد شدن (۲۳: ورد)، درآمد (۸: ورد) و...

۴-۱) معنی لغوی صدور

واژه صدور به معنی عضوی از بدن است و به صورت استعاره، برای اول هر چیزی به کار می‌رود؛ مانند اول کتاب یا اول کلام (۹: صدر)، بازگشتن از سفر (۱۶: صدر)، انصراف (۲۳: صدر) حاصل شدن و حادث شدن (۸: صدر) و...

در آیه ۶ سوره زلزال می‌خوانیم:

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ.

آن روز مردم [به حال] پراکنده برآیند تا [نتیجه] کارهایشان به آنان نشان داده شود.

مؤلف قاموس قرآن گفته است: ممکن است یصدر به معنی حدوث باشد؛ یعنی آن روز مردم به طور پراکنده و متفرّق، حادث و ظاهر می‌شوند و شاید به معنی بروز باشد؛ یعنی یصدر الناس من الأرض أشتاتاً. (۲۴: صدر)

۵-۱) معنی اصطلاحی سبب ورود حدیث یا مورد صدور حدیث

الف) سببی که پیامبر اکرم ﷺ به خاطر آن، حدیث را بیان کرده است؛ مانند سبب نزول در قرآن کریم. (۲۸: ص ۸۱۴)

ب) آن چیزی که حدیث در ایام وقوع آن گفته می‌شود و درباره آن سخن می‌گوید. (۲۱: ص ۱۴۴)

ج) راهی برای مشخص کردن مراد حدیث است از این جهت که عامّ است یا



خاص، مطلق است یا مقید، ناسخ است یا منسوخ و...^۱
 با توجه به این تعاریف، می توان گفت: سبب ورود حدیث امری است که
 موجب می شود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا یکی از ائمه علیهم السلام به خاطر آن یا در ارتباط با آن،
 حدیثی را بیان کنند که دریافت آن در فهم حدیث مؤثر است.

۱-۶) تعریف علم اسباب ورود حدیث

الف) علمی است که در آن، از اسبابی که موجب شده است رسول اکرم صلی الله علیه و آله
 حدیثی بگوید، بحث می کند. (۲: ص ۴۶۷)
 ب - علم اسباب صدور الحدیث، توجه دارد به شرایط و احوالی که سبب صدور
 حدیث از نبی اکرم صلی الله علیه و آله شده اند. زیرا در بسیاری از مواقع، حادثه ای روی می داد و
 موجب می شد که نبی اکرم صلی الله علیه و آله حکمی شرعی درباره آن، بیان کند. (۲۰: ص ۱۲۶)
 با توجه به تعاریف بالا می توان گفت که علم مذکور، در پی شناخت و بحث
 درباره اسباب، موقعیتها و زمینه هایی است که معصومین علیهم السلام به دنبال آنها حدیثی
 بیان کرده اند.

۱-۷) اهمیت شناخت مورد صدور احادیث

احادیث معصومین علیهم السلام در موقعیتهای زمانی و مکانی متفاوت و با انگیزه ها و
 هدفهای خاصی صادر شده اند؛ اما عواملی از قبیل: ممنوعیت نقل و نگارش
 حدیث، نقل به معنی، وضع حدیث و... نه تنها اختلالاتی در فهم احادیث پدید
 آورده، بلکه بسیاری از موارد صدور احادیث را حذف کرده یا به فراموشی سپرده
 است. پس برای درک واقعی احادیث باید دقت ویژه ای به کاربرد و از قرائنی که در
 فهم حدیث مؤثرند، کمک گرفت. یکی از مهم ترین این قرائن، مورد صدور احادیث
 است. اسباب ورود حدیث به دنبال بیان مناسبتی است که پس از آن، حدیثی گفته

۱. بنگرید: سیوطی، الإقتان، نوع چهل و پنج.



شده است و استنباط حکم شرعی را با توجه به آن شرایط و موقعیت، آسان می‌کند. از عوامل مؤثر در فهم نیکوی سنت نبوی، توجه به احادیثی است که بر اسباب خاصی بنا شده‌اند یا با علت مشخصی ارتباط دارند که آن اسباب و علل، یا در حدیث ذکر شده‌اند یا از آن استنباط می‌شود یا از واقعه‌ای که حدیث به دنبال آن بیان شده فهمیده می‌شود.

وقتی اسباب نزول قرآن برای فهم یا تفسیر قرآن، مطلوب است، اسباب ورود حدیث مطلوب‌تر است. زیرا قرآن، عام و جاودان است و در شأن آن نیست که به جزئیات و تفصیلات پردازد؛ اما سنت بسیاری از مشکلات موضعی و جزئی را حل می‌کند و خصوصیات دارد که در قرآن نیست. (۲۰: ص ۱۲۶)

به نظر می‌آید، تمام احادیث با توجه به مورد صدورشان، قابل فهم نباشند و درک آنها وابسته به مورد صدورشان نیست؛ بلکه بسیاری از آنها خود معنی واضح و روشنی دارند و مورد صدور فقط مصداقی خارجی و نمونه‌ای است که حدیث درباره آن گفته شده است.

۸-۱) فواید شناخت مورد صدور احادیث

۸-۱-۱) ایجاد بصیرت در فهم حدیث

یکی از ابزار و عوامل مورد نیاز برای ابهام‌زدایی از چهره معنی و مقصود واقعی احادیث و دستیابی به فهم صحیح آنها، آشنایی با مورد صدور احادیث است. برای روشن شدن مطلب، نمونه‌هایی از احادیث بیان می‌شود.

الف) «استعینوا بالنسل: از نسل کمک بگیرید.» (۱۴: ج ۲، ص ۱۹۳)

معنی معروف نسل، فرزند و ذریه است؛ در نتیجه، معنی سخن فوق این است که از فرزند یا ذریه خود کمک بگیرید. آیا در کارها از فرزندان کمک بگیریم؟ یا اینکه زاد و ولد بیشتری داشته باشیم و در آینده از آنان استفاده کنیم؟ با توجه به

مورد صدور این حدیث، معنی آن روشن می شود. مورد صدور آن چنین است.
 قال أبو عبد الله: وروى أن قوماً مشاة أدركهم النبي ﷺ فشكوا الله شدة المشي، فقال لهم: استعينوا بالنسل. امام صادق عليه السلام فرمودند: «روایت شده است که گروهی در حال راه رفتن بودند که پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را دید؛ پس آنان از خستگی راه به او شکایت کردند. ایشان فرمودند: از تند راه رفتن کمک بگیرید.»

ب) «غضٌ بصرک فإنک لن تراه: چشمت را ببند که هرگز او را نمی بینی.» (۴: ص ۳۸).

معلوم نیست که مقصود ندیدن چه چیزی است؟ با استفاده از مورد صدور، معنی حدیث کاملاً مشخص می شود: عن علي عليه السلام «أن رسول الله صلی الله علیه و آله مرّ علی رجل و هو رافع بصره إلى السماء؛ فقال: غضّ بصرک فإنک لن تراه.» امام علی عليه السلام می فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله بر مردی که به آسمانها نگاه می کرد، گذشت و به او فرمود: چشمت را ببند که هرگز او (خدا) را نمی بینی.» (نک: مستدرک الوسائل ۱۸۵/۵)

۱-۸-۲) تخصیص عام

عام حکمی است که جمیع افراد را در برمی گیرد؛ هر چند در مورد خاصی صادر شده باشد. خاص حکمی است که از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله یا یکی از معصومین علیهم السلام فقط درباره گروهی یا مردمی، صادر شده باشد. (۲۲: ص ۲۵۴) تخصیص، عبارت است از خارج کردن افراد از دایره شمول حکم عام، به صورتی که لفظ به خودی خود، مورد تخصیص را شامل شده باشد و این زمانی است که از یک حکم عام، افرادی را جدا کنیم. (۲۷: ج ۱، ص ۱۳۹)

گاهی حدیث، عام است؛ اما دلیلی برای تخصیص آن اقامه می شود که ممکن است آن دلیل، مورد صدور حدیث باشد و با شناخت آن معلوم می شود که حدیث مخصوص فرد یا گروهی خاص است.

مثال: «الفرار من الطاعون كالفرار من الزحف: فرار کردن از طاعون مانند فرار کردن

از حمله دشمن است.» (۱۵: ص ۲۵۴) با توجه به ظاهر حدیث، این توهم ایجاد می‌شود که گناه فرار کردن از جایی که در آن بیماری طاعون است، مانند گناه فرار کردن از حمله دشمن است؛ اما با بیان سبب حدیث معلوم می‌شود که این حدیث مخصوص کسانی است که در مرزها هستند نه در جای دیگر.

ابان بن عثمان گوید: یکی از اصحاب ما از امام کاظم علیه السلام پرسید: اگر من در شهری باشم که بیماری طاعون در آن وجود دارد، آیا از شهر بروم؟ فرمود: بله. پرسید: اگر طاعون در روستا هم باشد و من در آن باشم، از آنجا هم بروم؟ فرمود: بله. عرض کردم: ما حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کنیم که فرمود: فرار از طاعون مانند فرار از حمله دشمن است. امام علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله این سخن را درباره کسانی فرموده است که در مرز، مقابل دشمن‌اند و طاعون در آنجا شایع می‌شود و آنها مکانهایشان را خالی می‌کنند و می‌گریزند. رسول خدا صلی الله علیه و آله آن حدیث را درباره ایشان فرمودند. (همان)

۱-۸-۳) تقیید مطلق

حدیث مطلق حدیثی است که مفاد آن بر کلیه مصادیقش قابل اعمال باشد. حدیث مقید حدیثی است که دایره مصادیق و افراد مطلق را محدود به شرط یا قیدی می‌کند و در نتیجه، دایره شمول مطلق را تنگ‌تر می‌کند تا فقط شامل بعضی از مصادیق شود. (۱۰: ج ۱، ص ۲۳۷)

گاهی حدیث مطلق است، اما قید یا شرطی یافت می‌شود که آن را از اطلاق خارج می‌کند. این قید یا شرط ممکن است در مورد صدور حدیث وجود داشته باشد که با آگاهی از آن، حدیث، مقید به آن شرط یا قید می‌شود.

مثال: «اللهم من باع رقعة من أرض فلا تبارك فيه: خدایا! هر کس قطعه‌ای از زمین خرید، برکتی در آن قرار نده.» (۱۴: ج ۳، ص ۱۷۰) از ظاهر این حدیث، اطلاق برداشت می‌شود. گویی که خریدن مطلق هر زمینی بدون قید و شرط مبارک نیست؛ اما با

آگاهی از مورد صدور آن معلوم می‌گردد که مراد، خریدن هر قطعه از شهر مدینه است.

قال الصادق عليه السلام «لما دخل رسول الله صلى الله عليه وآله المدينة خطّ دُورها برجله، ثمّ قال: اللهمّ من باع رقعةً من أرض فلاتبارك فيه.» (همان)

۱-۴۸-۱) تبیین مجمل

مجمّل لفظی است که به صورت ظاهر، دلالت بر مقصود ندارد و معنای آن واضح نیست. مبین لفظی است که دلالت آن واضح و آشکار باشد. (۲۶: ج ۱، ص ۳۱۷) گاهی حدیثی به صورت اجمال گفته شده است و معنای آن کاملاً روشن نیست؛ اما با آگاهی از مورد صدور آن، معنای آن کاملاً روشن می‌شود.

مثال: «لو خشع قلبه لخشعت جوارحه: اگر قلب او خاشع بود، اعضای بدنش نیز خشوع داشتند.» (۴: ص ۳۶) این حدیث به طور اجمال، به خشوع اشاره می‌کند که با توجه به مورد صدور حدیث، معنی آن واضح‌تر می‌گردد.

قال علي عليه السلام: «إنّ رسول الله أبصر رجلاً يعبث بلحيته في صلاته، فقال: إنّه لو خشع قلبه لخشعت جوارحه.» (همان)

یکی از کارهایی که خشوع اعضاء را از بین می‌برد، بازی با ریش است که این مطلب در مورد صدور حدیث ذکر شده است. پس معنی اجمالی خشوع اعضاء به این طریق رفع می‌گردد.

۱-۵۸-۱) بیان علت حکم

گاهی اوقات از معصوم عليه السلام حدیثی صادر می‌شود که حاوی حکم یا دستورالعملی است. برای پی بردن به علت صدور آن حکم، باید به مورد صدور حدیث مراجعه کرد.

مثال: «استشف بالقرآن فإنّ الله عزّوجلّ يقول: وشفاء لما في الصدور: از قرآن شفا

بگیرید که خداوند عزوجل فرموده است: و درمانی است برای آنچه در سینه‌هاست. (۲۵: ج ۲، ص ۶۰۰)

علت بیان حدیث مذکور چنین است: قال الصادق عليه السلام: «شكى رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله وجعاً في صدره؛ فقال صلى الله عليه وآله: استشف بالقرآن فإن الله عزوجل يقول: وشفاء لما في الصدور.» (همان)

۱-۶۸) شناخت احادیث تقیه‌ای

با آگاهی از مورد صدور حدیث، می‌توان احادیث تقیه‌ای را شناسایی کرد. همچنین می‌توان فهمید که ائمه علیهم السلام در چه مواردی تقیه می‌کردند؛ مثلاً در محافل عمومی، پاسخ نامه‌ها و... حال به مثالی توجه فرمایید که احتمال دارد در آن تقیه صورت گرفته باشد: قال بشیر بن یسار: «سألته [الإمام الصادق عليه السلام] عن الصلاة في الخبز يُعْشُّ بِوَبَرِ الأرانب؛ فكتب: يجوز ذلك.» (۱۷: ج ۱، ص ۳۸۷)

شیخ طوسی می‌گوید: «جایز است که نوعی تقیه در آن باشد (همان)؛ زیرا به اتفاق تمام فقهای شیعه، نماز خواندن در لباس بافته شده از کرک خرگوش جایز نیست.» (۱۹: ج ۱، ص ۱۷۷)

ممکن است که تقیه کردن امام علیه السلام به دلیل مکاتبه بین سائل و ایشان بوده است.

۱-۷) رفع تعارض

مضمون بعضی از احادیث با یکدیگر سازگاری ندارند و متعارض اند. از آنجاکه معصومین علیهم السلام هیچ‌گاه در یک موضوع سخنان متعارضی بیان نکرده‌اند، می‌توان دریافت که بین بعضی از احادیث اگر ناسازگاری وجود دارد، به خاطر وجود عواملی مانند شرایط تقیه، نقل به معنی و... بوده است. برای پی‌بردن به اختلاف بین بعضی از احادیث، باید شرایط صدور آنها را بررسی کرد.

در حدیثی نقل شده است که خوردن گوشت الاغ، حرام نیست. متن حدیث،

این‌گونه است:

قال الصادق عليه السلام: «إِنَّ النَّاسَ أَكَلُوا لَحُومَ دَوَابِّهِمْ يَوْمَ خَيْبَرَ، فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِإِكْفَاءِ قَدُورِهِمْ وَنَهَاهُمْ عَنِ ذَلِكِ وَ لَمْ يَحْرَمْهَا.» (۱۷: ج ۴، ص ۷۳ - ۷۴)

مراد از چهارپا در حدیث فوق الاغ است. زیرا در حدیث دیگری، ابن مسکان می‌گوید: از حضرت صادق عليه السلام درباره گوشت الاغ پرسیدم، ایشان فرمودند: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز خیبر، خوردن آن را نهی کردند. (همان) بنابراین، با آگاهی از مورد صدور حدیث، می‌توان نهی از خوردن آن را برکراهت حمل کرد و تعارض را از بین برد.

۱-۸۸ تبیین نسخ

از مباحثی که مربوط به بحث ناسخ و منسوخ می‌شود، مبحث اسباب ورود الحدیث است که شناخت ناسخ و منسوخ را آسان می‌کند یا شبهه نسخ را از بین می‌برد.

مثال: «أَفْطَرَ الْحَاجِمُ وَالْمَحْجُومُ.» (۱۱: ص ۳۹) و «أَحْتَجِمُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ صَائِمٌ مُحْرَمٌ.» (همان)

به عقیده بعضی از علماء، حدیث اول ناسخ است و به عقیده بعضی دیگر، حدیث دوم ناسخ است؛ اما با توجه به مورد صدور حدیث اول، شبهه نسخ از بین می‌رود.

در معانی الاخبار مرحوم صدوق، این حدیث دارای مورد صدوری است که با آگاهی از آن، نسخ از بین می‌رود:

عبایة بن ربیع گوید: از ابن عباس پرسیدم: آیا جایز است که روزه‌دار حجامت کند؟ گفت: بله، به شرطی که نترسد که ضعف او را فراگیرد. گفتم: آیا حجامت روزه او را می‌شکند؟ گفت: نه. گفتم: پس معنی این سخن پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چیست که با دیدن شخصی که در ماه رمضان حجامت می‌کرد، فرمود: حجامت کننده و حجامت

شونده افطار کردند؟ پاسخ داد: چون آنها به یکدیگر دشنام دادند و در دشنام خود به رسول خدا ﷺ دروغ بستند، روزه خود را شکستند. (۱۵: ص ۳۱۹)

در مورد صدور حدیث، اشاره شده است که آنها بر پیامبر ﷺ دروغ بستند و این عمل موجب بطلان روزه می شود، پس شبهه نسخ از بین می رود.

۱-۸۹) ترجیح بین احادیث

گاهی ممکن است دو حدیث مشابه وجود داشته باشد که یکی از آنها دارای مورد صدور و دیگری فاقد آن باشد. به نظر بعضی از علمای اهل سنت، به دلیل اهمیتی که راوی در شناخت سبب حدیث داشته است، حدیثی که دارای سبب ورود است، بر حدیث دیگر ترجیح دارد. (۲: ص ۴۴۹)

۱-۸۱۰) آشنایی با افرادی که حدیث، خطاب به آنها یا درباره آنها صادر شده است

گاهی معصوم علیه السلام سخنی را درباره فردی یا خطاب به شخصی بیان فرموده که جایگاه آن فرد نزد معصوم علیه السلام را نشان می دهد. برای آگاهی از اینکه حدیث درباره چه کسی یا خطاب به چه شخصی بیان شده است، باید به مورد صدور آن رجوع کرد.

۱-۸۱۱) رفع ابهام از کلمات و عبارات نامفهوم

معصومین علیهم السلام در پاسخ برخی از پرسشها، تنها به کلمات یا عباراتی مانند لا، نعم، لا بأس، تجوز.... بسنده کرده اند که این کلمات و عبارات به تنهایی، مفهوم خاصی را القاء نمی کنند؛ اما با مراجعه به مورد صدور حدیث، مشخص می شود که آن جوابها با چنان موضوعی پیوند دارند.



۱-۸-۱۲) آشنایی با شیوه معصومین علیهم السلام در بیان مطالب

با مطالعه مورد صدور احادیث می توان به این نتیجه رسید که معصومین علیهم السلام برای هدایت و ارشاد انسانها، از هر فرصتی برای بیان احکام و دستورهای الهی بهره می گرفتند و در زمانها، مکانها و شرایط مختلفی، مانند جنگ، بازار، مسجد، سواره، پیاده و... با اعمال، گفتار و تأییدهای خود انسانها را به سوی کمال هدایت می کردند.

همچنین می توان نتیجه گرفت که چون همه مخاطبان در یک سطح از درک و فهم نبودند، لذا معصومان علیهم السلام با توجه به اختلاف آنان از نظر درک و فهم مطالب، به آنها پاسخ می دادند.

توجه به معرفت و درجه ایمان افراد نیز از اموری است که معصومین علیهم السلام در هنگام بیان سخنان خویش در نظر داشته اند. ایشان هر حدیثی را به هر کسی نمی گفتند تا معارف گرانبهای الهی به دست ناهلان و نامحرمان نیفتد، مبادا موجب انحراف آنان شود.

۱-۸-۱۳) ایجاد تسهیل در حفظ احادیث

با آگاهی از مورد صدور احادیث که اشاره به رویدادها، انسانها، زمانها، مکانها و سایر شرایط دارند و ارتباطی که بین آنها و احادیث وجود دارد، بهتر می توان احادیث را حفظ کرد و به خاطر سپرد.

بخش دوم: بررسی اعتبار مورد صدور احادیث

برای استفاده درست از مورد صدور احادیث، باید میزان اعتبار آنها را بررسی کرد و معیارهایی جهت گزینش مورد صدورهای صحیح و معتبر در نظر گرفت.

۱. اعتبار مورد صدور حدیث از نظر ناقل

۱-۱) مورد صدور حدیثی

اگر مورد صدوری که توسط یکی از معصومین علیهم السلام نقل شده است، از نظر سند و متن، قابل قبول باشد، آن مورد صدور، معتبر و قابل قبول است. مثال: امام کاظم علیه السلام فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله بر عایشه وارد شد؛ در حالی که عایشه ظرفش را در آفتاب گذاشته بود. فرمود: حمیرا این چیست؟ گفت: سر و بدنم را می شویم. فرمود: این کار را نکن که موجب بیماری برص می شود.» (۱۳: ص ۲۸۱)

۱-۲) مورد صدور خبری

مورد صدوری است که ناقل آن غیر معصوم است. مثال: عثمان بن مظعون می گوید: «به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتم: نفسم به من می گوید به سیر و سفر برو و راهی کوهها شو. پیامبر فرمود: ای عثمان، این کار را نکن؛ زیرا گردش امت من جنگ و جهاد است.» (۱۸: ج ۶، ص ۱۰۶)

برای تعیین اعتبار مورد صدورهای خبری، باید آنها را از نظر صحت و سقم به دو دسته تقسیم کرد:

۱-۲-۱) تعیین اعتبار مورد صدورهای خبری

۱-۲-۱-۱) مورد صدور خبری صحیح

مورد صدوری است که تا ناقل اولیّه یعنی کسی که شاهد حادثه یا ماجرای صدور حادثه بوده است، تواتر داشته باشد. اگر مورد صدور خبری صحیح، مخالف قرآن، احادیث و عقل نباشد، قابل قبول است و می توان به آن اعتماد کرد. در غیر این صورت پذیرفته نیست.

۱-۲-۱-۲) مورد صدور خبری غیر صحیح

مورد صدوری است که تا ناقل اولیّه، تواتر نداشته باشد. برای اعتبار آن دو



حالت فرض می شود:

۱-۲-۱-۲-۱ قابل قبول است. اگر مورد صدور خبری غیر صحیح، مخالف قرآن، احادیث، عقل و تاریخ معتبر نباشد و در فهم معنی حدیث، مؤثر باشد، می توان از آن استفاده کرد.

۱-۲-۱-۲-۲ غیر قابل قبول است. اگر مورد صدور خبری غیر صحیح، مخالف قرآن، احادیث، عقل و تاریخ باشد، جعلی و تحریف شده و فاقد اعتبار است.

۲. اعتبار مورد صدورهای انفصالی

گاهی ممکن است حدیثی دارای مورد صدور باشد؛ اما در طریق دیگرش بدون مورد صدور باشد؛ در این صورت، یکی از نتایج زیر احتمال دارد:

۱-۲ مورد صدور صحیح است.

۲-۲ مورد صدور، غیر صحیح است.

اگر مورد صدور قابل قبول باشد، از آن بهره می گیریم؛ اما اگر قابل قبول نباشد، دو حالت پیش می آید: یا ممکن است که آن مورد صدور را برای حدیث جعل کرده یا آن را تحریف کرده باشند یا احتمال دارد که مورد صدور متعلق به حدیث دیگری باشد. در این صورت، یا بعضی از راویان از روی اشتباه، آن را برای حدیث نقل کرده اند یا ناقل اولیّه با استنباط شخصی آن را همراه حدیث نقل کرده است که در این صورت، وثاقت راوی و نیز طرق دیگر حدیث بررسی می گردد.

۳. بررسی اعتبار مورد صدورهای متعدد

۳-۱ همه آنها صحیح اند

در این صورت، اگر همه آنها قابل قبول باشند، باید آنها را به ترتیب واقع شدنشان قبل از صدور حدیث تنظیم کرد. و اگر این کار ممکن نبود، باید آنها را به ترتیب اهمّیتی که در فهم حدیث دارند، دسته بندی کرد و همه آنها را مورد استفاده قرار داد.

۳-۲) همه آنها غیر صحیح‌اند.

در این صورت، اگر مخالف قرآن، احادیث، عقل و تاریخ معتبر نباشند و در فهم حدیث مؤثر باشند، می‌توان از آنها استفاده کرد و گرنه فاقد اعتبار هستند.

۳-۳) بعضی صحیح و بعضی غیر صحیح‌اند

۴. بین موارد صدور حدیث، تعارض وجود دارد

۴-۱) تعارض بین مورد صدور و حدیث، در صورت تعارض، دو حالت دارد:

۴-۱-۱) مورد صدور صحیح است.

در این حالت، ممکن است حدیث جعلی یا تحریف شده باشد که باید شناسایی شود یا در شرایط تقیه بیان شده باشد که باید آن شرایط بررسی شود. ممکن است حدیث متعلق به آن مورد صدور نباشد که باید سایر طرق حدیث را بررسی کرد.

۴-۱-۲) مورد صدور غیر صحیح است.

بخش سوم: احادیث کتاب کافی با توجه به مورد صدورشان

۱-۱) احادیث فاقد مورد صدور خاص

این نوع از احادیث به صورتی‌اند که قبل، بعد و در بین آنها هیچ گونه مورد صدوری ذکر نشده است و صرفاً کلام معصوم نقل شده است.

مثال: امام صادق علیه السلام فرمود: هر که صد بار بگوید: یا ربّ صلّ علی محمد و آل محمد، صد حاجت او برآورده شود که سی حاجت آن از حوائج دنیا است. (ج ۲: ۲۵)

در کتاب کافی تعداد احادیث فاقد مورد صدور خاص، نسبت به احادیث دارای مورد صدور خاص، بسیار زیاد است. برخی از این احادیث دارای مورد صدور عام‌اند و برخی دیگر دارای مورد صدور خاص؛ اما به دلایلی، مورد صدورشان نقل و نگارش نشده است.



۲-۱) عوامل عدم نقل و نگارش مورد صدور احادیث

عواملی که در عدم نقل مورد صدور احادیث مؤثرند، به ترتیب زیر دسته‌بندی می‌شوند:

۱-۲-۱) عوامل مخصوص هر دوره

یکم. در زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مسلمانانی که تازه اسلام آورده بودند، بیشتر توجه آنها به اصل کلام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حفظ آن بود و توجه چندانی به مسائل حاشیه‌ای از جمله مورد صدور حدیث نداشتند. بنابراین، هنگام نقل احادیث، بسیاری از موارد صدور را نقل نمی‌کردند.

دوم. به خاطر ارزشی که برای کلام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قائل بودند، حاضر به نوشتن مطالب دیگری در کنار آن نبودند.

سوم. در زمان ممنوعیت نقل و نگارش حدیث از سوی خلفاء، راویان فقط می‌توانستند مطالب ضروری را بیان کنند و فرصت بیان مفصل حدیث همراه با مورد صدورش وجود نداشت.

چهارم. این احتمال وجود دارد که وقتی احادیث به دست فقهاء رسید، چون آنها به اصل حدیث جهت استنباط حکم شرعی نیاز داشتند، به مورد صدور آن توجهی نکرده و آن را حذف کرده باشند. همچنین هنگامی که حدیث را تقطیع کردند و آن را در بابهای مختلف نوشتند، مورد صدور آن به کلی حذف شده است.

۲-۲-۱) عوامل عمومی

یکم. چون راویان در متن حادثه بودند، حوادث برای آنان معلوم و مشخص بود و نمی‌پنداشتند که نقل خود حادثه نیز مهم است؛ لذا مورد صدور احادیث را نقل نمی‌کردند.

دوم. بسیاری از راویان پس از شنیدن کلام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام بلافاصله آن را

نمی‌نوشتند و پس از خروج از محضر معصوم علیه السلام در فرصتی مناسب، آن را یادداشت می‌کردند. در هنگام نوشتن، حوادث و مطالب پیرامونی آن را نمی‌نوشتند.

سوم. احتمال دارد بعضی از موارد صدور احادیث، ذکر شده باشند؛ اما به دلایلی از بین رفته و در نتیجه، توسط راویان بعدی نقل نشده باشند. مثلاً ممکن است حدیثی در مدح یا نکوهش بعضی افراد گفته شده و مورد صدور اشاره به نام آن افراد داشته باشد و مخالفان، مورد صدور آن را حذف کرده باشند.

چهارم. بعضی از موارد صدور که در آنها سؤال سائل یا وقوع حادثه‌ای نقل شده است، جزئی و قابل ذکر بودند؛ اما بعضی از موارد صدور حدیث کلی بودند؛ مانند بحثهای متوالی درباره یک موضوع نظیر جلسه‌های ردّ شبهات یا جلسات اصول عقائد... در این گونه موارد، چون مورد صدور کلی بودند، در هنگام نقل احادیث چندان مورد توجه نبودند.

۱-۲-۳) عوامل دیگر عدم نقل و نگارش مورد صدور احادیث

یکم. جلوگیری از حصر معنی حدیث در مورد صدورش؛

دوم. اجتناب از برداشتهای سطحی و محدود.

روش صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به این صورت بوده است که ایشان طبق تعالیمی که از پیشوایان خود گرفته بودند، اعتقاد داشتند توجه به مورد صدور و نقل آن ممکن است باعث حصر در آن مورد خاص شود. مؤید این بحث آن است که هیچ یک از معصومین دستور یا تأکید مبنی بر نوشتن مورد صدور احادیث نداشته‌اند. بنابراین، صحابه برای جلوگیری از حصر معنی حدیث در مورد صدورش و اجتناب از برداشتهای سطحی و محدود، مورد صدور احادیث را نقل نکرده‌اند.

۲. احادیث دارای مورد صدور خاص

هدف از آشنایی با موارد صدور احادیث، این است که به فهم صحیحی از احادیث نائل شویم؛ لذا برای رسیدن به این مهم، باید به موضوعات موارد صدور دقت و توجه بیشتری داشته باشیم.

موضوعات مورد صدور احادیث

با بررسی کتاب کافی، مشخص می‌شود که موضوعات موارد صدور احادیث آن تنوع دارند و می‌توان آنها را به انواع مختلفی تقسیم کرد و دسته‌بندی موضوعی مفصل‌تری ارائه نمود.

احادیث به دو صورت شفاهی و مکتوب از ائمه اطهار علیهم‌السلام صادر شده است. بر این اساس، می‌توان موضوعات مورد صدور احادیث را نسبت به این دو دسته از احادیث تقسیم بندی کرد:

۱. موضوعات موارد صدور احادیث شفاهی

۱-۱) موضوعات موارد صدور احادیث شفاهی متقابل

موارد صدور احادیث شفاهی متقابل عبارت‌اند از سخنانی که موجب شده‌اند معصومین علیهم‌السلام در مقابل آنها به القاء حدیث بپردازند. در این نوع از گفتگوها، القاء حدیث به صورت مستقیم صورت می‌گیرد. این روش یکی از روشهای مستقیم تعلیمی است. موضوعاتی که در این گونه موارد صدور وجود دارند، عبارت‌اند از: سؤالات، مجادله‌ها، درخواستها، شکایتها و عرضه‌ها.

۱-۱-۱) سؤالات

در بین موارد صدور احادیث کتاب کافی، بیشترین تعداد را سؤالات در بر می‌گیرند. این سؤالات در زمینه‌های مختلف و به صورتهای گوناگون مطرح شده‌اند و به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند.

۱-۱-۱) سؤال و جواب

یکی از انواع سؤالها به این صورت است که راوی یا شخص دیگر، جهت یادگیری یا رفع شبهه، مسئله‌ای را خدمت معصوم علیه السلام بیان می‌کند و ایشان به صورت روشن و مشخص، پاسخ خود را بیان می‌کنند.

مثال: «عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا محلّ سجده نمازگزار باید بلندتر از محلّ ایستادنش باشد؟ فرمود: نه؛ ولی مساوی با آن باشد.» (ج ۳، ص ۳۳۳)

با توجه به این حدیث، معلوم می‌شود که ابهامی وجود دارد و با رجوع به مورد صدورش، از بین می‌رود.

۱-۱-۲) پیش‌زمینه سؤال

گاهی راوی مستقیماً سؤال را بیان نمی‌کند، بلکه قبلاً به مطالب دیگر اشاره می‌کند که بعضی از آنها پیش‌زمینه سؤال بوده‌اند و بعضی دیگر به موقعیت (حالت، زمان و مکان) طرح سؤال اشاره دارند.

مثال: جمیل بن درّاج گوید: «ما به حج رفتیم؛ در حالی که قبلاً حجّی انجام نداده بودیم. ما چهارده شوط سعی بین صفا و مروه انجام دادیم. سپس از امام صادق علیه السلام درباره آن سؤال کردم. امام علیه السلام فرمود: اشکالی ندارد. هفت بار آن برای توست و هفت بار دیگر از بین می‌رود.» (همان: ج ۴، ص ۴۳۶)

۱-۱-۳) سؤالها و جوابها

گاهی بین راوی و معصوم علیه السلام سؤال و جوابهایی ردّ و بدل شده است که در اکثر آنها کلام معصوم علیه السلام بدون در نظر گرفتن سؤالها که نوعی مورد صدور هستند، نامفهوم است. این پرسش و پاسخ به گونه‌های مختلف انجام گرفته است.

۱-۱-۳-۱) آغازکننده سؤال فردی غیر معصوم است.

مثال: عبدالله بن سنان گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا کسی که میّت را

غسل می دهد، باید غسل کند؟ فرمود: بله. گفتم: کسی که او را وارد قبر می کند؟ فرمود: نه؛ اول لباس را مَسّ می کند.» (همان: ج ۳، ص ۱۶۱)

در این گفتگوها اگر حدیث را از سؤال جدا کنیم، حدیث نامفهوم می شود؛ ولی با آگاهی از مورد صدور حدیث، معنای آن کاملاً واضح می شود.

۱-۱-۱-۲) آغاز کننده سؤال معصوم علیه السلام است.

مثال: امام باقر علیه السلام گوید: «حضرت علی علیه السلام بر گروهی گذشت که ملخ می خوردند. امام علیه السلام فرمود: سبحان الله! شما مُحْرِم هستید؟ گفتند: آن صید دریاست. امام علیه السلام فرمود: همین الآن آنها را در آب بیندازید.» (همان: ج ۴، ص ۳۹۳)

۱-۱-۱-۳) بیان سخن یا انجام عملی توسط امام و پرسش راوی

گاهی راوی یا معصوم علیه السلام آغازکننده سؤال نبودند، بلکه معصوم علیه السلام در حالت عادی یا به دنبال جریانی، سخنی می فرمودند و به دنبال آن سؤال و جواب آغاز می شد.

مثال: مفضل بن عمر گوید: «امام صادق علیه السلام فرمود: شایسته نیست که مؤمن خودش را خوار کند. عرض کردم: چگونه خودش را خوار می کند؟ فرمود: کاری انجام می دهد که به دنبال آن عذر خواهی می کند.» (همان: ج ۵، ص ۶۴)

در این حدیث، امام به صورت مجمل سخن گفته و سپس توضیح داده است. اجمال گویی یکی از شیوه‌هایی است که باعث دقت مخاطب می شود و موجب می شود که سؤال کننده علت یا توضیح بیشتر آن را طلب کند.

۱-۱-۱-۴) پاسخهای بسیار کوتاه

نوع دیگر سؤالها به این صورت است که معصومین علیهم السلام به آنها پاسخهای بسیار کوتاه داده‌اند.

مثال: «سماعه گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: آیا سگ را در خانه نگه داریم؟ فرمود:

نه.» (۲۵: ج ۴، ص ۵۸۳)

۱-۱-۱-۵) سؤال درباره آیات

۱-۱-۱-۳-۵) سؤال از خود آیات

احادیث مربوط به آیات، در پی موارد صدور مختلفی از معصومین علیهم السلام صادر شده‌اند. گاهی اوقات نقل می‌شود که درباره فلان آیه سؤال شده و معصوم علیه السلام پاسخ خویش را بیان کرده است.

مثال: ابوبصیر گوید: «از امام صادق علیه السلام درباره «قول زور» در آیه: «...فاجتنبوا الرجس من الأوثان واجتنبوا قول الزور» (حج ۲۲/۳۰) پرسیدم، امام علیه السلام فرمود: مراد غناست.» (۲۵: ج ۳، ص ۲۸)

۱-۱-۱-۳-۵) سؤال پس از آیات

گاهی راوی آیه‌ای می‌خواند و به دنبال آن، سؤال خود را پیرامون آیه مطرح می‌کند و سپس معصوم علیه السلام پاسخ مناسب را بیان می‌دارد.

مثال: ابوبصیر گوید: «از امام صادق علیه السلام درباره این کلام خداوند عزوجل «...قوا أنفسکم وأهلیکم ناراً» (تحریم ۶۶/۶۱) پرسیدم که چگونه اهل خود را حفظ کنیم؟ فرمود: آنها را امر و نهی کنید.» (۲۵: ج ۵، ص ۶۲)

۱-۱-۲) مجادله‌ها

یکی دیگر از موضوعاتی که در موارد صدور احادیث شفاهی متقابل به آن اشاره می‌شود، مجادله‌هایی است که بین افراد مختلف - خصوصاً افرادی که از ادیان و فرق دیگر بودند - با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام صورت گرفته است.

با بررسی مجادله‌ها مشخص می‌شود که غالباً معصومین علیهم السلام در یک سیر منطقی با سخنانی متین و استدلال‌هایی محکم و به دور از سفسطه‌بازی و مغلطه‌کاری، می‌کوشیدند طرف مقابل به اشتباه‌های خود پی ببرد و در نهایت، بدون هیچ‌گونه اجباری، تسلیم و گاهی جذب ایشان شود.

مثال: «امام صادق علیه السلام فرمود: یکی از دانشمندان یهود نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و





گفت: ای امیرالمؤمنین، پروردگارت از چه زمانی بوده است؟ فرمود: وای بر تو، این را برای چیزی گویند که زمانی نبوده است؛ ولی به آن چیزی که بوده است، نمی گویند: از کی بوده...» (همان: ج ۱، ص ۹۷)

آنچه در این بخش می توان گفت، این است که اولاً: راویان در مجادله ها، سخنان طرفین را نقل می کردند. ثانیاً: با مراجعه به مورد صدور هر یک از احادیث، نام مجادله کننده یا بعضی از خصوصیات او مشخص می شود. ثالثاً: دریافت می شود که ائمه علیهم السلام با توجه به شناختی که از مجادله کننده ها داشتند، آنها را دفع نمی کردند؛ بلکه از فرصت استفاده می کردند تا حقیقت را برایشان روشن کنند.

۱-۱-۳) درخواستهای افراد

برای نمونه به حدیث زیر توجه کنید:

مفضل گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! دعای جامعی به من بیاموزید. امام علیه السلام فرمود: خدا را ستایش کن؛ زیرا هیچ نمازگزاری نیست مگر اینکه برای تو دعا می کند، هنگامی که می گوید: «سمع الله لمن حمده» (همان: ج ۲، ص ۵۰۳) با آگاهی از مورد صدور این حدیث معلوم می شود که حمد و ستایش خدا دعایی جامع است.

۱-۱-۴) شکایتها

یکی دیگر از موضوعاتی که موارد صدور احادیث شفاهی متقابل به آن اشاره دارد، شکایتهایی است که افراد مختلف در زمینه های گوناگون نزد معصومین علیهم السلام بیان می کردند. مثال: امام صادق علیه السلام فرمود: «مردی از وحشت به رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او امر کرد که یک زوج پرنده برای خانه اش بخرد.» (همان: ج ۶، ص ۵۴۶)

۱-۱-۵) عرضه‌ها

مطالب این قسمت در سه بخش بیان می‌شود: عرضه مطالب مختلف به محضر ائمه علیهم‌السلام عرضه آیات، عرضه حدیث به خدمت ائمه علیهم‌السلام.

۱-۱-۵-۱) عرضه مطالب

در بعضی از موارد صدور، شخصی مطالبی را خدمت معصوم علیه‌السلام عرضه داشته و ایشان به دنبال آن، کلام خویش را بیان فرموده‌اند.

مثال: عبدالسلام بن نعیم گوید: «به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: من وارد خانه (کعبه) شدم و هیچ دعایی به خاطر نداشتم جز صلوات بر محمد و آل محمد. امام علیه‌السلام فرمودند: بدان که هیچ کس خارج نشده بهتر از آنچه تو با آن خارج شدی.» (۲۵: ج ۲، ص ۴۹۴)

این حدیث، مبهم است؛ اما با آگاهی از مورد صدور آن، معلوم می‌شود که چه کسی از کجا و با چه عملی خارج شده است. همچنین با توجه به اینکه سخن امام علیه‌السلام درباره صلوات است، فضیلت صلوات هم مشخص می‌شود.

۱-۱-۵-۱-۱) عرضه آیه‌ها

۱-۱-۵-۱-۱-۱) عرضه آیه‌ها و بیان معصوم علیه‌السلام

گاهی فردی آیه‌ای را در خدمت معصوم علیه‌السلام ارائه می‌کرد و ایشان به دنبال آن سخن خویش را بیان می‌فرمود.

مثال: ابی اسامه زید شحام گوید: «به امام صادق علیه‌السلام این کلام خدای عزوجل «... لا تقربوا الصلاة و انتم سكارى...» (نساء ۴۳/۴) را عرض کردم. ایشان فرمود: مراد، مستی خواب است.» (۲۵: ج ۳، ص ۳۷۱)

۱-۱-۵-۱-۱-۱-۱) عرضه آیه و تصحیح آن توسط معصوم علیه‌السلام

در این خصوص به این حدیث توجه کنید:

حماد بن عثمان گوید: «نزد امام صادق علیه‌السلام تلاوت کردم «... ذوا عدل منکم...»



مأندہ (۵/۹۵) امام علیہ السلام فرمود: «ذو عدل منکم». این به خاطر خطایی است که کاتبان در قرائت آن کرده‌اند.» (همان: ج ۸، ص ۲۰۵)

۱-۱-۲-۳) عرضة حدیث بر ائمه علیہم السلام

این نوع از مورد صدور احادیث را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی کرد:
 ۱-۱-۲-۳) عرضة خبری: گاهی صحابه روایتی را به صورت خبری، نزد امام علیہ السلام بیان می‌نمودند و حضرتش آن را به طور مستقیم، تصدیق یا تکذیب می‌کردند و اگر لازم بود، توضیحاتی بر آن می‌افزودند.

مثال: ابوبصیر گوید: «ما در حدیثی می‌گوییم: کسی که بدون وجود علتی در حال نشسته نماز بخواند، هر دو رکعت نمازش یک رکعت و هر دو سجده‌اش یک سجده است. امام علیہ السلام فرمود: این‌گونه نیست؛ آن برای شما تمام است.» (همان: ج ۳، ص ۴۱۰)

۱-۱-۲-۳) عرضة سؤالی

گاهی حدیثی به امام علیہ السلام عرضه می‌شد و درباره آن یا در پی آن، سؤالی مطرح می‌شد.

مثال: حسن بن صدقه گوید: «از امام کاظم علیہ السلام پرسیدم: یکی از دوستان ما روایت کرده است که مرد می‌تواند با کنیز دختر و کنیز پسرش ازدواج کند. و من دختر و پسری دارم و دخترم کنیزی دارد که از مهریه‌اش برای او خریده‌ام. آیا آمیزش با این کنیز بر من حلال است؟ فرمود: نه؛ مگر به اجازه دخترت...» (همان: ج ۵، ص ۴۷۱)

۱-۱-۲-۳) عرضة ضمنی

گاهی در حین جریان یا پرسش سؤالی، حدیث به امام علیہ السلام عرضه می‌شد. مثال: اسماعیل بزیع گوید: «از امام رضا علیہ السلام درباره ظروف طلا و نقره سؤال کردم. امام علیہ السلام آنها را مکروه دانست. عرض کردم: یکی از دوستان ما روایت کرده است که امام کاظم علیہ السلام آینه‌ای با روکش نقره داشت. امام علیہ السلام فرمود: نه - خدا را سپاس - فقط حلقه آن از نقره بود و آن نزد من است...» (همان: ج ۶، ص ۲۶۷)



در این حدیث، سخن امام کاظم علیه السلام مبهم است و موضوع آن مشخص نیست؛ ولی با توجه به حدیث عرضه شده، روشن می‌شود که امام رضا علیه السلام با کلام خویش ضمن تکذیب آن، وجه صحیح را نیز بیان می‌فرمایند.

۱- ۱- ۵- ۲- ۳- ۴) عرضه مکتوبات و مجموعه‌های حدیثی

گاهی مکتوبات و مجموعه‌های حدیثی توسط صحابه خدمت ائمه علیهم السلام عرضه می‌شدند.

مثال: یونس گوید: «ابن فضال و محمد بن عیسی گفتند: کتاب فرائض از امیرالمؤمنین علیه السلام را بر امام رضا علیه السلام عرضه می‌کردیم. امام علیه السلام فرمود: آن صحیح است». (همان: ج ۷، ص ۳۳۰)

۱- ۱- ۵- ۳- ۵) عرضه اخبار

گاهی سخنان مردم بر ائمه علیهم السلام عرضه می‌شد و آن بزرگواران عکس العمل نشان می‌دادند.

حسین بن خالد گوید: «به امام رضا علیه السلام عرض کردم، مردم می‌گویند: هر کس سه روز گوشت نخورد، خلقتش بد می‌شود. حضرتش فرمود: دروغ گفتند؛ ولی کسی که چهل روز گوشت نخورد، خلقتش و بدنش تغییر می‌کند و این به سبب انتقال نطفه در طی چهل روز است». (همان: ج ۶، ص ۳۰۹)

۲-۱) موضوعات مورد صدور احادیث شفاهی واحد

در احادیث شفاهی واحد، تنها معصومین علیهم السلام سخن گفته‌اند؛ لذا در مورد صدور این احادیث، سخنان افراد و گفتگوی آنها با معصومین عنوان نشده است. در این حالت نیز القاء حدیث به طور مستقیم انجام می‌شود که معصومین علیهم السلام گاهی فرد خاصی را مورد خطاب قرار داده‌اند. موضوعات موارد صدور احادیث شفاهی عبارت‌اند از: اشاره‌ها، جریانها، قضاوتها و خطبه‌ها.

۱-۲-۱) اشاره‌ها

گاهی راوی فقط به مورد صدور حدیث اشاره می‌کند و بلافاصله حدیث را نقل می‌کند و از این طریق، مشخص می‌شود که حدیث در مورد چه موضوعی صادر شده است.

مثال: معاویه بن عمّار گوید: «امام صادق علیه السلام درباره شخص مُحَرِّمی که پرنده را سید می‌کند، فرمود: باید کفّاره آن چه را می‌گیرد، بدهد.» (همان: ج ۴، ص ۳۹۴)
در اینجا از خود حدیث می‌توان فهمید که موضوع آن چیست. لذا مورد صدور آن چندان بر آگاهی ما نمی‌افزاید.

۱-۲-۱) اشاره به آیه‌ها

به دلیل اهمّیتی که آیات قرآن مجید دارند، در این قسمت، به ذکر نمونه‌ای از موارد صدور می‌پردازیم که در آنها راویان به آیه‌ای از آیات قرآن کریم اشاره کرده‌اند.

جمیل بن صالح گوید: «امام صادق علیه السلام درباره این کلام خدای عزّوجلّ «...رَبُّنَا آتْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً...» (بقره ۲/۲۰۱) فرمود: [منظور] رضوان خدا و جنّت در آخرت، و نیز معاش و حسن خلق در دنیا است.» (همان: ج ۵، ص ۷۱)
۱-۲-۱) جریانها

گاهی جریانهای کوتاه یا طولانی پیش می‌آید که معصوم علیه السلام به دنبال آنها یا در حین روی دادن آنها، کلام خویش را بیان فرموده‌اند که توجه به آنها در فهم کلام ایشان بسیار مؤثر است.

۱-۲-۱-۱) جریانها یا مورد صدورهای خبری

برخی از این جریانها را راویان نقل می‌کنند.

مثال: عبید بن زراره گوید: «غذایی را با امام صادق علیه السلام خوردم و نشمردم که چند بار. فرمود: خدا را سپاس که میل و رغبت به آن را در من قرار داد.» (همان: ج ۶، ص ۲۹۵)



این حدیث مجمل است که با آگاهی از مورد صدورش، کلام امام علیه السلام تبیین می شود. مخاطب ایشان هم فرد خاصی نیست؛ بلکه سپاس خدا را می گویند و فرد راوی نیز کلام ایشان را می شنود.

۲-۱-۲-۱) جریانها یا موردهای حدیثی

یکی از بهترین روشهای تعلیمی، بیان داستانها و جریانهای مختلف است. قرآن کریم نیز در موارد عدیده، از این روش برای بیان مقاصد عالی خود استفاده کرده است. معصومین علیهم السلام نیز با الگوگیری از قرآن، وقایع گوناگون را نقل می کردند؛ به خصوص جریانهایی که مربوط به معصومین قبل از خود بوده است.

مثال: امام صادق علیه السلام فرمود: «یتیمی را نزد امام علی علیه السلام آوردند. ایشان فرمود: نزدیکترین شخص از خویشاوندانش را برای نفقه دادن به او انتخاب کنید؛ همان طوری که میراث او را می خورد.» (همان: ج ۴، ص ۱۳)

۲-۱-۲-۱) قضاوتهای ائمه

امام باقر علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله روز فتح مکه به منبر رفت و فرمود: ای مردم! خداوند فخر فروشی در جاهلیت و افتخار به پدران را در شما از بین برد. آگاه باشید که شما از آدمید و آدم از گیل است...» (۲۵: ج ۸، ص ۲۴۶)

مورد صدور این حدیث، می رساند که یکی از خطبه های معصومین علیهم السلام است.

۲. موضوعات مورد صدور احادیث مکتوب

۲-۱) موضوعات موارد صدور احادیث مکتوب دو طرفه

موارد صدور احادیث مکتوب دو طرفه عبارت اند از نامه هایی که معصومین علیهم السلام در مقابل آنها به القاء حدیث پرداخته اند. در این حالت، القاء حدیث به صورت غیر مستقیم انجام می شود. موضوعاتی که در این گونه موارد صدور وجود دارند، چنین اند: سؤالها، درخواستها، شکایتها و عرضه ها.

۲-۱-۱) سؤالها

بعضی از موارد صدور حدیث مکتوب دو طرفه، به سؤالهایی اشاره دارد که از ائمه علیهم السلام پرسیده شده است.

مثال: ابن فضال گوید: «برای امام کاظم علیه السلام نامه نوشتم و از ایشان درباره فقاع سؤال کردم. امام علیه السلام در پاسخ نوشت: آن خمر است و در آن حد شارب الخمر است.» (همان: ج ۶، ص ۴۲۴)

۲-۱-۲) درخواستهای افراد

محمد بن حسن گوید: «به امام عسکری نامه نوشتم و تقاضا کردم برای درد چشمهایم دعا بفرمایند؛ در حالی که یک چشم من از بین رفته بود و چشم دیگر هم نزدیک از بین رفتن بود. امام علیه السلام برایم نوشت: خداوند چشمت را برایت نگه دارد.» (همان: ج ۱، ص ۵۱۰)

۲-۱-۳) شکایتها

یکی دیگر از موضوعاتی که در موارد صدور احادیث دو طرفه به آنها اشاره شده است، شکایتهایی است که افراد درباره مسائل مختلف برای معصومین علیهم السلام نوشته‌اند.

مثال: ابوهاشم جعفری گوید: «از تنگی زندان و فشار و زنجیر به امام عسکری علیه السلام شکایت کردم. ایشان برایم نوشت: تو امروز نماز ظهر را در منزلت می‌گزاری. هنگام ظهر بود که بیرون آمدم و همان طور که فرموده بود، نمازم را در منزلم گزاردم...» (همان: همان، ج ۱، ص ۵۰۸)

برای فهم دقیق این حدیث لازم است از مورد صدور آن آگاه شویم.

۲-۱-۴. عرضه ها

۲-۱-۴ (۱) عرضه مطالب

اسماعیل بن سهل گوید: «به امام باقر علیه السلام نوشتم: قرض سنگینی برگردنم آمده است. امام علیه السلام نوشت: زیاد استغفار کن و زبانت را با خواندن «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» تر و تازه کن.» (همان: ج ۵، ص ۳۱۶)

در این حدیث نیز برای فهم آن باید به مورد صدور آن توجه کنیم.

۲-۱-۴ (۲) عرضه احادیث

برای نمونه به حدیث زیر توجه کنید:

محمد بن یحیی گوید: «یکی از دوستان ما درباره وقف و آنچه درباره آن روایت شده بود، به امام عسکری علیه السلام نامه نوشت. امام علیه السلام در پاسخ نوشت: وقفها طبق آنچه صاحبانشان وقف کرده اند، می باشند؛ إن شاء الله.» (همان: ج ۷، ص ۳۷)

۲-۲) موضوعات موارد صدور احادیث مکتوب یک طرفه

موارد صدور احادیث مکتوب یک طرفه عبارتند از: مسائل مختلفی که معصومین علیهم السلام درباره آنها پیامها یا دستورالعملهای خویش را به طور یک جانبه و به صورت کوتاه یا طولانی و خطاب به شیعیان خود، صادر فرموده اند. اما در موارد صدور این احادیث به موضوع خاصی اشاره نشده؛ بلکه در اغلب آنها راوی اشاره کرده که کدام معصوم علیه السلام نامه را خطاب به چه کسی نوشته است.

مثال: محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام به شیعیانش نوشت: باید افراد سالمند و صاحبان امر و نهی به جاهلان یا طالبان ریاست توجه کنند. (آنها را از این کار باز دارند) و گرنه لعنت من شامل حال همه شما می شود.» (همان: ج ۸، ص ۱۵۸)

نتیجه گیری

سبب ورود حدیث، راهی قوی برای فهم حدیث و موجب تقویت فهم آن



است. همچنین علم اسباب و ورود حدیث، منفعتی عظیم دارد که بر کسی پوشیده نیست. با این دانش، پرده از شرایطی برداشته می شود که حکم شرعی یا کلام نبوی از آنها نشأت گرفته است و کمک شایانی به فهم مقاصد حدیث و آگاهی بر مضامین آن می کند.

منابع

۱. قرآن حکیم.
۲. ابن ابی شهبه، محمد بن محمد. الوسیط فی علوم و مصطلح الحدیث. ۱۴۰۳ق.
۳. ابن اثیر، مجدالدین. النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. تحقیق: طاهر احمد الزاوی. بیروت: مکتبه العلمیة.
۴. ابن اشعث، محمد بن محمد. الجعفریات (الأشعثیات). تهران: افست مکتبه النینوی.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. تعلیق: علی شیری. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۶. انیس، ابراهیم. عبدالحلیم منتصر. المعجم الوسیط. تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی. چاپ هفتم، ۱۳۷۶.
۷. بستانی، فؤاد افرا. منجد الطلاب. ترجمه: بندر ریگی، تهران: انتشارات حر، ۱۳۷۸.
۸. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. تهران: چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
۹. راغب اصفهانی، حسین. مفردات الفاظ القرآن. تحقیق: صفوان عدنان داوودی. دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۶ق.
۱۰. سبحانی، جعفر. الموجز فی أصول الفقه. قم: انتشارات مدیریّت حوزه علمیه، ۱۳۷۶.
۱۱. سیوطی، جلال الدین. أسباب ورود الحدیث أو اللّمع فی أسباب الحدیث. تحقیق: یحیی اسماعیل. بیروت: دارالوفاء، ۱۴۰۸ق.
۱۲. ———. تدریب الراوی فی شرح تقریب النووی. تحقیق احمد عمر هاشم. بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ق.

١٣. صدوق، محمد بن علي بن بابويه. **علل الشرايع**. نجف: مكتبة الحيدريّة، ١٣٨٥ق.
١٤. _____ . **من لا يحضره الفقيه**. تحقيق: علي اكبر غفّارى. قم: جامعه مدرّسين.
١٥. _____ . **معانى الأخبار**. تصحيح: علي اكبر غفّارى. قم: انتشارات اسلامى، ١٣٦١.
١٦. طريحي، فخرالدين. **مجمع البحرين**. تحقيق: سيّد احمد حسيني. تهران: مكتبة المرتضويّه لاحياء الآثار الجعفريّه.
١٧. طوسى، محمد بن حسن. **الاستبصار فيما اختلف من الأخبار**. تحقيق و تعليق: سيّد حسن موسوى. نجف: دارالكتب الاسلاميه.
١٨. _____ . **تهذيب الأحكام**. تحقيق: محمد جواد فقيه. بيروت: دارالاضواء، ١٤١٣ق.
١٩. _____ . **الخلاف**. قم: مطبعة الحكمه.
٢٠. عثمان الخشت، محمد. **مفاتيح علوم الحديث و طرق تخريجه**. قاهره: مكتبة القرآن.
٢١. عسقلاني، شهاب الدين. **نزهة النظر بشرح نخبة الفكر**. تنظيم ابو عبدالرحيم. محمد كمال الدين الادهمى. مكّه: مكتبة فيصلية.
٢٢. غفّارى، علي اكبر. **تلخيص مقياس الهداية**. تهران: نشر صدوق، ١٣٦٩.
٢٣. فيومى، احمد بن محمد بن عليّ المقرئ. **المصباح المنير**. مصر: مكتبة مصطفى البابى الحلبي و اولاده.
٢٤. قرشى، سيّد علي اكبر. **قاموس قرآن**. تهران: دارالكتب اسلاميه. چاپ هشتم، ١٣٦١.
٢٥. كليني، محمد بن يعقوب. **كافي**. تحقيق: علي اكبر غفّارى. تهران: دارالكتب الاسلاميه.
٢٦. مامقانى، عبدالله. **مقياس الهداية في علم الدراية**. تحقيق: محمدرضا مامقانى. قم: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث العربى، ١٤١١ق.
٢٧. محمدى، ابوالحسن. **مباني استنباط حقوق اسلامى يا اصول فقه**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ١٣٧٣.
٢٨. هروى، علي بن سلطان محمد القارى. **شرح شرح نخبة الفكر في مصطلحات الأثر**. تحقيق: محمد نزار تميم و هيثم نزار تميم. بيروت: دارالارقم.